

همگرایی و واگرایی سیاسی در حوزه کاسپین و حوزه‌های پیرامونی آن

دکتر رسول افزلی* / مصطفی محمدجانی**

چکیده

دریای کاسپین دریایی است بسته که طبق قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میلادی به صورت مشاع بین ایران و شوروی اداره می‌شد. از سال ۱۹۹۱ و به دنبال فروپاشی شوروی سابق اوضاع کاسپین نیز تغییر پیدا کرده و سه کشور جدید در این حوزه موجودیت پیدا کردند. با افزایش تعداد کشورهای حوزه کاسپین شرایط حاکم بر این دریا نیز تغییر کرده و زمینه‌های جدیدی را برای حضور جمهوری اسلامی ایران در حوزه کاسپین به وجود آورده است. تا قبل از آن، به علت حضور شوروی در مرزهای شمالی ایران و بسته عمل کردن آن دولت، ارتباط در شمال ایران با همسایه شمالی بسیار ضعیف بود. اما پس از فروپاشی شوروی، با آزادی ملت‌های مسلمان از چنگال کمونیسم و توجه به گرایش آنها به اسلام، از یک سو و وجود اشتراکات مذهبی، تاریخی، زبانی و... با جمهوری اسلامی ایران شرایط جدیدی برای همگرایی در منطقه بوجود آمد. این نزدیکی کشورها از جهات مختلف به یکدیگر باعث شده تا کشورها در زمینه‌های اقتصادی در منطقه به همگرایی‌های دست یابند. اما از نظر نظامی شرایط تا حدودی متفاوت‌تر است که البته این امر نیازمند سیاست فعال جمهوری اسلامی ایران در حوزه کاسپین می‌باشد تا بعنوان یک قدرت منطقه‌ای توان تأثیرگذاری بر منطقه را داشته باشد.

کلید واژه‌ها

کاسپین، همگرایی، واگرایی، منافع ملی، کریدور شمال- جنوب

* استادیار دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران rafzali@ut.ac.ir

** کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

مقدمه

تاریخ بشریت از تجارب همگرایی ملت‌ها از طریق زور و اجبار مملو می‌باشد. با گذشت زمان انسانها پی بردند که برای اینکه یک ملت را بخواهند با خود همراه کنند حتی جنگ و خونریزی لازم نیست و می‌توانند بر اساس تفاهم نامه‌های دو جانبه و ایجاد فدراسیونهای متشکل از کشورهای با نفوذ در یک منطقه یا جهان به تامین صلح و امنیت جهانی بپردازند. هر چند در گذشته دور این گونه اتحادیه‌ها بیشتر توسط مخالفان داخلی یک امپراطوری با دشمنان آن امپراطوری برای براندازی آن حکومت صورت می‌گرفت اما نوع اتحادیه‌ها در سال‌های اخیر بسیار متفاوت از انواع قبلی آن می‌باشد. امروز در جهان، فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فنی و در سال‌های اخیر مباحث امنیتی و نظامی زمینه‌های همگرایی را فراهم کرده‌اند. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری اسلامی ایران که در شمال خود تنها با این جمهوری همسایه بود با پنج کشور جدید (آذربایجان- ترکمنستان- روسیه- قزاقستان- ارمنستان) که بجز ارمنستان در غرب دریای کاسپین چهار همسایه جدید همگی در حوزه کاسپین با ایران مرز مشترک آبی دارند، همسایه شد. کشورهای تازه استقلال یافته با توجه به مشترکات تاریخی و فرهنگی خود با جمهوری اسلامی ایران، زمینه‌های زیادی را برای همگرایی با جمهوری اسلامی ایران دارا می‌باشند. البته با فروپاشی شوروی و با توجه به اهمیت منطقه و اهمیت یافتن انرژی در جهان و به تبع آن اهمیت یافتن انرژی حوزه کاسپین توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای به این ناحیه جلب شد که این امر باعث حضور قدرت‌های برتر جهانی در منطقه شده است. این قدرت‌ها توانایی تبدیل عوامل همگرا را به عوامل واگرا علیه جمهوری اسلامی ایران دارا می‌باشند. با توجه به مسائل ذکر شده این مقاله در پی پاسخ به این سوال است که عمده‌ترین مسائل همگرایی کشورهای حوزه دریای کاسپین با جمهوری اسلامی ایران در چیست و چه عواملی باعث واگرایی این کشورها از جمهوری اسلامی ایران می‌شود؟

گفتار اول: مشخصات کلی دریای کاسپین

در ابتدا لازم به توضیح است از آنجائی که خزر نام یک قوم روسی می‌باشد که گویا یهودی نیز می‌باشند لذا از بکارگیری این نام برای دریای کاسپین خودداری شده است. از سوی دیگر به دلیل آنکه استفاده نام دریای مازندران نیز محدود به عرصه داخلی می‌باشد سعی شده کمتر از این لفظ استفاده گردد، اما در مورد دریای کاسپین، لازم به توضیح است که این اسم در واقع تغییر یافته دریای قزوین (کروین- کسپین- کاسپین) می‌باشد و یک اسم کاملاً ایرانی است و محقق سعی نموده در راستای

حفظ فرهنگ ملی که در سطح جهان نیز شناخته شده است از این اسم استفاده نماید. جایی که ما برای تغییر نام خلیج فارس به نام مجهول خلیج عربی این همه در جهان برای احقاق حق خود تلاش می‌کنیم، لازم است تا نامی را که در سالهای گذشته نیاکان ما در حوزه دریای کاسپین از آن پاسداری کرده‌اند و به ثبت جهانی رسیده است ما نیز در حفظ آن کوشا باشیم و از اسم دریای کاسپین برای اثبات ایرانی بودن این دریا استفاده نمائیم.

دریای کاسپین بزرگترین دریاچه جهان در مرز بین آسیا و اروپا که آسیای مرکزی را به منطقه قفقاز متصل می‌کند قرار دارد. این دریا در شمال ایران، جنوب شرق روسیه، غرب ترکمنستان، شرق آذربایجان و جنوب غربی و غرب جمهوری قزاقستان قرار دارد. این دریا یک دریای طولی است که در عرض جغرافیائی گسترش پیدا کرده است. این دریا مختصات ۳۶ درجه و ۲۳ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۷ دقیقه عرض شمالی و همچنین مختصات ۴۶ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۵۰ دقیقه طول شرقی را در بر می‌گیرد. بیشترین ساحل در دریای کاسپین از آن جمهوری قزاقستان با ۱۹۰۰ کیلومتر طول می‌باشد. ترکمنستان با ۱۷۶۸ کیلومتر ساحل در رتبه دوم و روسیه با ۱۳۵۵ کیلومتر ساحل در رتبه سوم قرار دارد و جمهوری آذربایجان با ۸۲۰ کیلومتر ساحل و جمهوری اسلامی ایران با ۶۵۷ کیلومتر ساحل در رتبه‌های بعدی از نظر طول ساحل قرار دارند که جمعه ۶۵۰۰ کیلومتر ساحل را در بر می‌گیرد (دهقان، ۱۳۸۴: ۲۴-۳۱).

این دریا هر چند تا قبل از فروپاشی شوروی به صورت مشاع اداره می‌شد. ولی با فروپاشی شوروی هر کدام از کشورهای حوزه کاسپین خواستار سهم خود از این دریا شده‌اند. اکنون بعد از گذشت نزدیک به دو دهه از فروپاشی شوروی و آشکار شدن اهمیت ایران در منطقه کاسپین، هر چند زمینه‌های بهتری جهت ایجاد همگرایی در این حوزه پدید آمده است، اما از سوی دیگر عوامل واگرا نیز در دو حوزه آسیای مرکزی و قفقاز با ایران افزایش یافته است.

گفتار دوم: زمینه‌های همگرایی و واگرایی سیاسی در حوزه کاسپین

در این گفتار ضمن ارائه تعریفی از واژه‌های همگرایی و واگرایی شاخص‌های مرتبط با این واژه‌ها را در حوزه‌های آسیای مرکزی و قفقاز به صورت گذرا مورد بررسی قرار داده و در نهایت زمینه‌های کلی واگرایی را در پس از فروپاشی شوروی مورد بحث قرار داده و به ارائه راهکار می‌پردازیم.

همگرایی و واگرایی سیاسی در حوزه کاسپین و حوزه‌های پیرامونی آن

الف) همگرایی

همگرایی عبارتست از: متعهد شدن اجزا برای تشکیل یک کل که این اتحاد در جهت رسیدن به هدفی، سازماندهی می‌شود. در بین جوامع انسانی چهار نوع همگرایی مدنظر می‌باشد که شامل همگرایی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ایستاری می‌باشد.

در همگرایی سیاسی کشورهای همگرا سعی بر آن دارند که در مسائل جهانی سیاست‌های مشترک و واحدی را از خود ارائه دهند. همگرایی اجتماعی از توسعه روابط اجتماعی و گسترش مبادلات در میان اعضاء کشورهای یک منطقه که می‌تواند به ایجاد حس یک اشتراک منافع و جامع بودن در آنها منجر شود ناشی می‌شود. در همگرایی اقتصادی، میزان حمایت دولت‌ها از اقتصاد ملی و نحوه ارتباطات اقتصادی آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. برخی این نوع همگرایی را در سطح مناطق به عنوان یک استراتژی رشد برای کشورهای در حال توسعه مطرح می‌کنند. در همگرایی ایستاری از یک نوع حس مشترک در بین اعضاء که باعث ایجاد یک نوع تعهد متقابل بین اعضاء می‌شود بهره می‌گیرند (کولایی، ۱۳۷۹: ۱۰-۶).

علاوه بر آن، همگرایی در چهار درجه قابل بررسی است که عبارتند از:

همگرایی از نوع مشترک‌المنافع، تشکیل کنفدراسیونها، تشکیل فدراسیونها و همگرایی از نوع اتحاد.

ب) واگرایی

در کنار مبحث همگرایی، مبحث دیگری که مورد توجه و در نقطه مقابل آن می‌باشد بحث واگرایی می‌باشد. در رویکرد واقع‌گرایی، واگرایی به عدم ترغیب واحدهای سیاسی به همکاری و اشتراک مساعی در عرصه سیاست بین‌المللی گفته می‌شود که موجب دوری این واحدهای سیاسی از یکدیگر و فراهم آوردن زمینه‌های بحران و جنگ می‌گردد. در واگرایی متغیرهای گوناگونی وجود دارد که عبارتند از: عوامل انسانی و روانی، اجتماعی، واحدهای سیاسی نظام بین‌المللی و متغیرهای اجتماعی بین‌المللی.

هر چند در شمال ایران و حوزه آسیای مرکزی و قفقاز ما همواره درجه‌ای از درجات همگرایی از نوع اتحاد حتی با زور شمشیر را تا سال ۱۹۹۱ شاهد بوده‌ایم، و پس از آن همگرایی از نوع همگرایی مشترک‌المنافع بر کشور شمالی همسایه ایران سایه افکنده است. اما در سال‌های اخیر بخصوص با گسترش حضور آمریکا و غرب در حوزه‌های مجاور دریای کاسپین بتدریج ما شاهد بروز عوامل واگرا در آسیای مرکزی و بخصوص قفقاز هستیم.

مهمترین مباحثی که زمینه‌های همگرایی را در حوزه کاسپین پس از فروپاشی شوروی تقویت می‌کند عبارتند از:

۱- وجود مباحث تاریخی، فرهنگ، مذهبی و زبانی مشترک بین کشورهای حوزه کاسپین: جمهوری آذربایجان در غرب کاسپین بیشترین گرایش را در این ارتباط به ایران از خود نشان داده است. این کشور در غرب دریای کاسپین از چند جهت زمینه‌های همگرایی با جمهوری اسلامی ایران را دارا می‌باشد. یکی از نظر زبانی، بطوری که ۹۰ درصد مردم این کشور آذری می‌باشند. بعد دوم همگرایی، که مهمتر از بعد اول هم است اشتراکات مذهبی مردم این منطقه می‌باشد. جمهوری آذربایجان یکی از کشورهای جهان بعد از جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که با بیش از ۷۰ درصد دارای اکثریت بالای شیعه می‌باشد و به‌طور کل قریب به ۹۰ درصد جمعیت این کشور را مسلمانان تشکیل می‌دهند. دو شهر شکی و گنجه که از مهمترین شهرهای جمهوری آذربایجان می‌باشند جزء شهرهای شیعه‌نشین این کشور هستند که همگرایی بیشتری نسبت به نقاط دیگر این کشور، با جمهوری اسلامی ایران در آنها مشاهده می‌گردد. (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۷۲).

ترکمنستان تا سال ۱۸۷۷ تقریباً با ایران دارای تعاملات و حکومت مشترک بود و از آن پس زیر سیطره ازبک‌ها و روس‌ها قرار گرفت. جمعیت ترکمنستان از اکثریت مسلمان تشکیل شده است، به‌طوری که در حدود ۹۲ درصد جمعیت این کشور را مسلمانان تشکیل می‌دهند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود اکثریت جمعیت این جمهوری مسلمان هستند و در طول تاریخ به جز در حکومت ۷۰ ساله شوروی سابق همواره مشترکات زیاد و حافظه تاریخی یکسانی بر مردم دو کشور مستولی بوده است. (سارلی، ۱۳۷۹: ۱۱۵)

قزاقستان سومین کشور پر وسعت جهان می‌باشد که تقریباً نیمی از جمعیت آن سنی مذهب و پیرو مکتب حنفی می‌باشند. در پی استقلال این جمهوری در سال ۱۹۹۱ و تا سال ۱۹۹۴ میلادی تجدید حیات اسلامی در این کشور شدت گرفت و مساجد زیادی در شهرهای مهم این کشور ساخته شد. چنین عوامل می‌تواند نوید روابط بهتر این کشور را با جمهوری اسلامی ایران در آینده نزدیک دهد. (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۵۵).

جمهوری فدراتیو روسیه تقریباً تا سال‌های اخیر در مقابل تحركات غرب مواضع منفعلانه را اتخاذ می‌کرد ولی از سال ۲۰۰۵ میلادی به‌دلیل حضور گسترده غرب در حیط خلوت روسها و حتی دخالت در جمهوری‌های خود مختار این کشور روسیه را بر آن داشت تا برای کوتاه کردن دست غرب سیاست شفاف‌تری نسبت به گذشته اتخاذ کند، که این مساله باعث شده تا زمینه‌های بهتری جهت

همگرایی و واگرایی سیاسی در حوزه کاسپین و حوزه‌های پیرامونی آن

مبارزه با غرب در منطقه پیش بگیرد، از جمله توجه بیشتر به مسلمانان این کشور و منطقه در جهت فشار بر غرب را می‌توان در این زمینه قلمداد نمود.

۲- **انگیزه‌های اقتصادی:** در این زمینه مباحث مربوط به انرژی و همچنین موقعیت برتر ژئوپلیتیکی ایران می‌تواند به خوبی آشکار شود. هر چند در زمینه منابع انرژی، غرب به رهبری آمریکا این فرصت را تا حدودی از ایران گرفته و با انتقال نفت و گاز کاسپین به طرف دریای سیاه در سواحل ترکیه عملاً این بخت ایران را کم رنگ کرده است، اما ایران تحت عنوان طرح سوآپ به تبادل انرژی با ترکمنستان در منطقه مشغول است و انتظار آن است که، این تبادلات نیز با توجه به موقعیت برتر جمهوری اسلامی ایران در منطقه افزایش یابد و در واقع کشورهای منطقه با همکاری یکدیگر و با هزینه کمتر و کسب سود بیشتر از امن‌ترین و کوتاه‌ترین راه برای انتقال این انرژی بهره‌مند گردند.

اما موقعیت ژئوپلیتیک ایران به اینجا ختم نمی‌شود بلکه پتانسیل‌های بیشتری را جهت همگرایی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خود دارا می‌باشد. کریدور شمال- جنوب که از جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد و جنوب آسیا را توسط دریای کاسپین به اروپا مرتبط می‌کند یکی از دلایل دیگر اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در ایجاد همگرایی منطقه‌ای می‌باشد.

قاره آسیا با دارا بودن سهم بسیار زیادی از جمعیت کره زمین و همچنین درصد قابل توجهی از تجارت جهانی که این دو مقوله در طی سالهای آتی رشد چشمگیری نیز داشته است سبب گردیده تا سیستم‌های حمل و نقل کالا از اهمیت زیادی برای برآورده کردن مایحتاج مردم این منطقه برخوردار گردد. از این رو است که حمل و نقل زمینی در سال‌های اخیر از اهمیت زیادی برخوردار شده است و نقش آن در آینده نیز افزایش خواهد یافت.

در این ارتباط از ۱۰ کریدور ترانزیتی ریلی و ترکیبی تصویب شده در کنفرانس حمل و نقل اروپا و آسیا در سال ۱۹۹۳ حدود ۸ کریدور مربوط به تجارت و ترانزیت در داخل اروپا است و تنها دو کریدور ارتباط اروپا را با حوزه آسیا برقرار می‌کند که عبارتند از: تراسکا(کریدور غرب و شرق) که اروپا را به آسیای مرکزی می‌رساند و کریدور دوم کریدور شمال- جنوب است که، اروپا را در جنوب به روسیه متصل می‌کند. در این ارتباط دریای کاسپین و جمهوری اسلامی ایران به عنوان پلی، آسیا را به اروپا (روسیه و کشورهای اروپایی) متصل می‌کند و نقش ممتازی را در اقتصاد، حمل و نقل و ترانزیت کالا بین این کشورها بر عهده دارد.

کریدور حمل و نقل بین‌المللی مهمی که در زمینه ترانزیت کالا بین کشورهای آسیایی و اروپایی تاکنون به وجود آمده است، همان کریدور شمال- جنوب می‌باشد. این کریدور ارتباط ترانزیتی

کشورهای شمالی اروپا، اسکاندیناوی و روسیه را از طریق ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس، اقیانوس هند و جنوب شرق آسیا برقرار می‌سازد. این کریدور حمل و نقل که قسمت مهمی از آن از خاک جمهوری اسلامی ایران عبور می‌کند هم‌اکنون جزء کوتاه‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و سریع‌ترین مسیر ترانزیت کالا بین آسیا و اروپا قلمداد می‌گردد. این کریدور از بمبئی آغاز به بندرعباس ایران رسیده، در داخل خاک ایران کالاهای ترانزیتی از طریق حمل و نقل جاده‌ای و یا ریلی به بنادر شمالی کشور انتقال پیدا می‌کند و از مسیر دریای کاسپین به بنادر آستاراخان و لاگان روسیه حمل می‌شوند. این کریدور ۳۰ درصد نسبت به بقیه راه‌ها ارزاتر است و با سایر راه‌های منطقه که به اروپا می‌رسند مانند تراسکا و آلتید چندین نقطه تلاقی دارد که به توزیع کالاها در طول مسیر هم کمک می‌کند.

به وسیله کریدور شمال- جنوب کشورها می‌توانند از مزایای دسترسی به سه بازار و مرکز توزیع و حمل و نقل بار جهانی در آسیا شامل حوزه‌های خلیج فارس، اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا با جمعیتی حدود چند میلیارد نفر بطور همزمان برخوردار گردند. در این راستا می‌توان از توسعه راه‌آهن، کشتیرانی و آزاد راه‌ها در ایران نیز نام برد. در این رابطه کنسرسیوم ایران، روسیه و آذربایجان تشکیل شده است که هر سه کشور با سهم مساوی در آن عضویت دارند و راه‌آهن قزوین- رشت آستارای ایران- آستارای آذربایجان و حتی تا آستاراخان روسیه در آینده نزدیک احداث خواهد شد که به شبکه راه‌آهن روسیه متصل خواهد شد و از آنجا به اروپا خواهد رسید.

این کریدور در سال ۱۹۹۲ در هلسینکی فنلاند به‌عنوان شاه راه ترانزیتی مورد تصویب قرار گرفت و توافقنامه این کریدور در سال ۲۰۰۰ میلادی در سنت پترزبورگ میان سه کشور ایران، روسیه و هند به امضاء رسید و این سه کشور به‌عنوان موسسین این کریدور معرفی گردیدند. بعدها کشورهای دیگر منطقه مانند قزاقستان نیز به عضویت آن در آمدند، و در حال حاضر بجز کشور ترکمنستان سایر کشورهای حاشیه دریای کاسپین عضو (جمهوری آذربایجان درخواست عضویت داده است) این کریدور هستند. از طرف دیگر سایر کشورهای پیرامون حوزه کاسپین شامل تاجیکستان، بلاروس، اکراین، ارمنستان و ترکیه و حتی سوریه نیز درخواست عضویت در این کریدور را دارند.

این امر نشان از آن دارد که کشورهای عضو کریدور شمال- جنوب به تدریج به یک پیمان منطقه‌ای بزرگ دست پیدا خواهند کرد و این می‌تواند به سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه کاسپین کمک شایانی کند، چون حلقه اتصال تمام آنچه ذکر شد جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. با فعال شدن این کریدور جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به اهداف زیادی در این منطقه از جمله توسعه مناسبات، افزایش حجم حمل و نقل کالا و مسافر، ایمنی و حفظ محیط زیست کاسپین، هماهنگ‌سازی

همگرایی و واگرایی سیاسی در حوزه کاسپین و حوزه‌های پیرامونی آن

سیاستهای حمل و نقل و تامین شرایط مناسب و برابر جهت عرضه خدمات حمل و نقل از جانب کشورهای طرف معامله دست پیدا کند.

موقعیت جغرافیایی ایران چنان که گذشت اهمیت ویژه‌ای به لحاظ ترانزیت کالا و عبور خطوط لوله‌های نفت و گاز به جمهوری اسلامی ایران در سطح جهانی و منطقه‌ای در حوزه کاسپین بخشیده است. ایران با بهره‌گیری از این مزیت می‌تواند منافع زیادی را در این حوزه به دست آورد، و در ضمن ارتقاء جایگاه اقتصادی خود، در سطح منطقه و جهان، در همگرایی کشورهای این حوزه نقش مهمتری را ایفا نماید. حال آیا بدون فرض دریای کاسپین در شمال ایران چنین موقعیتی جهت همگرایی بیشتر منطقه‌ای پیش می‌آید؟ البته اینکه بگوییم نه شاید اغراق شده باشد ولی در صورت عدم وجود دریای کاسپین، کشورهای شمالی هر چند برای ارتباط با آبهای گرم به ایران نیازمند بودند ولی مرزهای شمالی ایران از رونق حال حاضر خود مسلماً برخوردار نبود و اهمیت خود را از دست می‌داد. و در صورت نبودن دریای کاسپین جمهوری اسلامی ممکن بود فقط با سه کشور آذربایجان، ترکمنستان و ارمنستان در مرزهای شمالی همسایه باشد و آن قدرت مانور را که اکنون در منطقه دارد از دست می‌داد. در واقع ایران هر چند در جنوب به دریاهای گرم دسترسی دارد ولی در شمال با حلقه‌های چند لایه از کشورهای روبرو است که کنار آمدن با همه آنها برای رسیدن به مرزهای اروپا مشکل می‌نمود. فی الواقع دریای کاسپین همکاری‌های بسیاری را ایجاد می‌کند که حفاظت از محیط زیست، موجودات زنده حوزه کاسپین، استخراج انرژی کاسپین و کشتیرانی و همچنین مسائل امنیتی، همکاری علمی و فرهنگی و تمامی این موارد از آن جمله‌اند. همچنین انتقال نفت کاسپین به خلیج فارس عاملی دیگری است که به این مهم کمک می‌نماید هر چند آمریکا قصد دارد که انرژی کاسپین از مسیر ایران و روسیه صادر نشود و به همین دلیل خط لوله باکو-تفلیس-جیهان را راه‌اندازی کرده است. جمهوری اسلامی ایران از مهمترین راهکارهایی که برای جذب نفت خام از طریق خط لوله نکا-ری می‌تواند انجام دهد، بحث قیمت می‌باشد چون اگر مساله سیاسی نباشد کشورها به دنبال مسیر ارزاتر می‌باشند. از آنجا که انتقال نفت خام از خط نکا-ری برای ایران و کشورهای حوزه کاسپین ارزاتر تمام می‌شود و فاصله انتقال نیز کمتر است، این امر قدرت چانه زنی بیشتری به ایران می‌دهد چون ایران می‌تواند با استفاده از نفت حوزه کاسپین در پالایشگاه‌های تهران و تبریز معادل آن را در جنوب کشور صادر کند. بنابراین ایران از شاخص‌های اقتصادی تری نسبت به خط لوله باکو-جیهان برخوردار است به شرط اینکه از این فرصت به نحو احسن استفاده نماید. هم‌اکنون در مرحله نخست طرح انتقال و فرآوری نفت خام کشورهای حوزه دریای خزر، ظرفیت انتقال ۱۷۰ هزار بشکه نفت خام از مسیر

ایران فراهم شده است. این نفت‌خام‌ها از کشورهای ترکمنستان، قزاقستان، آذربایجان و روسیه از طریق خطوط لوله وارد کشور شده و در پالایشگاه‌های تهران و تبریز فرآوری می‌شود. این خط جدا از خط لوله نکا-ساری می‌باشد که ظرفیت انتقال ۵۰۰ هزار بشکه نفت خام را دارا می‌باشد. همچنین شرکت ملی نفتکش ایران در قراردادی با شرکت‌های روسی اقدام به سفارش ۶ فروند کشتی ۶۰ هزار تنی کرده است که به تدریج این کشتی‌ها تحویل ایران می‌شود. با توجه به آنچه گذشت مزیت‌های این همگرایی در بخش اقتصاد برای جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

- ۱- ناکام گذاشتن طرح مخالفان انقلاب
- ۲- همراه کردن کشورهای منطقه در مسائل جهانی و بالا رفتن قدرت چانه‌زنی جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌الملل
- ۳- ایجاد زمینه‌های دوستی و همکاری بین کشورهای منطقه
- ۴- کسب سود سرشار برای هر دو طرف معامله
- ۵- افزایش اهمیت استراتژیکی و ژئوپلیتیکی ایران در منطقه

ج) زمینه‌های واگرایی در حوزه کاسپین

مهمترین مباحثی که زمینه‌های واگرایی را در منطقه تشدید می‌کند شامل مباحث نظامی و بحث رژیم حقوقی دریای کاسپین می‌گردد.

۱- **واگرایی در ابعاد نظامی:** سابقه نظامی‌گری در کاسپین به قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ باز می‌گردد. هر چند این قراردادها ایران را از حق داشتن ناوگان نظامی در کاسپین محروم می‌کرد، اما پس از فروپاشی شوروی و به وجود آمدن شرایط جدید در حوزه کاسپین، این اصل نیز مانند دیگر اصول قراردادهای مذکور از حیز انتفاع ساقط شد. پس از فروپاشی شوروی سابق، روسیه خود را برادر بزرگتر کشورهای منطقه قفقاز و آسیای میانه احساس می‌کند و از بروز چنین احساسی هم برای یکه‌تازی در منطقه ترسی ندارد. در همین راستا روسیه برای قدرت نمایی در دریای کاسپین از اول تا ۱۵ اگوست سال ۲۰۰۲ میلادی با شرکت بیش از ۱۰۰ هزار تن از نیروهای خود و ۶۰ ناو، ناوچه و کشتی و ۳۰ هزار فروند هواپیمای جنگنده به انگیزه تمرین به‌منظور مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر و مقابله با قاچاق منابع زیست محیطی کاسپین بزرگترین مانور نظامی را در این دریا برگزار نمود.

همگرایی و واگرایی سیاسی در حوزه کاسپین و حوزه‌های پیرامونی آن

ماجرای اینجاست ختم شد و این بدعت باعث شد تا کشورهای منطقه به همین بهانه دست به مانورهای زیادی بزنند. البته غرب نیز با تمام وجود از فرصت فراهم آمده استفاده کرد و به تجهیز ناوگان دریایی این کشورها در جهت منافع خود پرداخت. مانور روسیه در کاسپین باعث شد تا نور سلطان نظر بایف رئیس‌جمهور قزاقستان دستور رزمایش در استان (مانگستاو) را از ۱۵ تا ۲۵ مرداد سال ۸۱ صادر نماید. به تبع آن سومین مانور در دریای کاسپین در هفته آخر مرداد سال ۸۲ با همکاری مشترک آذربایجان و آمریکا برگزار شد که در آن افراد نظامی آمریکا و رادارهای آنها حضور داشتند. و ایالات متحده در آن سال حتی یک کمک ۴/۴ میلیارد دلاری برای تجهیز نیروی دریایی آذربایجان به این کشور که بعد از روسیه دومین نیروی دریایی از جهت تجهیزات و استعداد با استعدادی حدود ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر در منطقه کاسپین را دارمی‌باشد اختصاص داد. همچنین ایالات متحده قصد تقویت پایگاه‌های نظامی خود در قزاقستان را دارد. این نوع سیاست آمریکا در کاسپین در راستای تقویت ایجاد پایگاه‌های نظامی دائم توسط در این منطقه می‌باشد. ولی هدف آذربایجان و قزاقستان نیز از این اقدام ایجاد یک قطب جدید در مقابل روسیه می‌باشد. در این راستا آذربایجان با توجه به هشدارهای جنگنده‌های ایرانی به کشتی انگلیسی که در کاسپین برای آذری‌ها در حال اکتشاف نفت بود نیم‌گاهی نیز علاوه بر روسیه به ایران هم دارد (ضیائی‌پرور، ۱۳۸۲: ۶۹).

وقتی اوضاع چنین شد و یک نوع بلوک‌بندی در کاسپین آشکار گردید در ۲۸ مارس ۲۰۰۲ قرارداد دفاعی بین آذربایجان و آمریکا امضاء شد. و به تبع آن آذربایجان از فهرست تحریم‌های تسلیحاتی آمریکا خارج شد. در ۱۶ آوریل ۲۰۰۲ صدور فرمان تشکیل نیروی امنیتی ویژه توسط حیدرعلی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان صادر گردید، باز در سال ۲۰۰۲ قزاقستان مانور نظامی برگزار کرد و در ۲۰۰۳ مانور مشترک نظامی بین آذری‌ها با آمریکا در کاسپین برگزار گردید و در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۳ سومین کشتی گشت‌زنی آمریکا تحویل آذربایجان شد و در آخر در ۳۰ نوامبر ۲۰۰۳ سفر وزیر دفاع آمریکا را به آذربایجان صورت گرفت که این سفر با توجه به مناسبات متفاوت هر از چند گاهی در طی سال‌های اخیر تکرار شده است. در مقابل روسیه نیز که در ابتدا با مانور سال ۲۰۰۲ خود در کاسپین در کنار هشدار هواپیماهای جنگی ایرانی به کشتی اکتشافی انگلیسی باعث پیچیده‌تر شدن اوضاع نظامی کاسپین شده بود. در ۳۰ آوریل ۲۰۰۳ پیمان دفاعی منطقه‌ای را با ۵ کشور قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ارمنستان و بلاروس امضاء نمود. در پی این بلوک‌بندی جدید، جمهوری اسلامی ایران در دریای کاسپین تنها ماند. در نتیجه در ابتدا جمهوری اسلامی ایران به سوی نظامی‌گری سوق پیدا کرد، به‌طوری‌که در سال ۲۰۰۴ در دریای کاسپین به اجرای مانور دریائی پرداخت (واحدی، ۱۳۸۲: ۱۵۵).

با وجود این گرایش جدید، جمهوری اسلامی ایران همواره در حوزه کاسپین بر حفظ صلح و ثبات و جلوگیری از ورود نیروهای خارجی به این حوزه تاکید داشته است. جمهوری اسلامی ایران بر این عقیده است که حفظ امنیت دریای کاسپین توسط کشورهای ساحلی، تنها راه حفظ امنیت ثبات این دریا است و کشورهای ساحلی نباید در زمینه تسلیحات در دریای کاسپین با هم وارد مسابقه شوند، زیرا نظامی شدن کاسپین به نفع هیچ کدام از کشورهای منطقه نیست. بعد از مدتی با آشکار شدن ابعاد فعالیت غرب در منطقه کاسپین و همچنین افزایش تهدیدات در این منطقه، ایران برای جلوگیری از نفوذ بیشتر غرب در منطقه طرحی را مبنی بر تشکیل سازمان امنیت دریای کاسپین در اجلاس شانزدهم این دریا در تهران مطرح کرد که مورد توافق روسیه نیز قرار گرفت. اما از آنجا که ۳ کشور آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان در کاسپین به دنبال منافع اقتصادی هستند و این منافع را در تعامل با غرب می بینند این ایده نیاز به کالبد شکافی دقیق تری دارد. کنوانسیون امنیتی پیشنهادی ایران در کاسپین در واقع برای جلوگیری از حضور آمریکا در این دریا و همچنین تسلط بی چون و چرای روسیه در کاسپین توسط جمهوری اسلامی ایران اتخاذ شده و بر تقویت گاردهای ساحلی کشورهای همجوار کاسپین تاکید دارد.

۲- رژیم حقوقی دریای کاسپین: در کنار عامل نظامی تاثیر رژیم حقوقی دریای کاسپین در حال حاضر مهمترین عامل واگرا در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز می باشد. در حال حاضر تعارض منافع پنج کشور ساحلی دریای کاسپین با گذشت حدود ۱۷ سال از فروپاشی شوروی مانع دستیابی به یک رژیم حقوقی جامع برای دریای کاسپین شده است که این عامل به تنهایی قادر است تا بهانه های لازم را برای غرب در جهت حضور در منطقه فراهم آورد و از آنجا که منافع غرب در منطقه فقط با اختلاف کشورهای ساحلی کاسپین به دست می آید به نظر نمی رسد که جزء با یک سیاست منطقی و درست بتوان از زیاده خواهی های غرب و توجیه کشورهای منطقه نسبت به منافع خود اقدام مثبتی را صورت داد.

با توجه به آنچه که در این گفتار ذکر گردید می توان چنین نتیجه گرفت که جمهوری اسلامی ایران در منطقه کاسپین پس از فروپاشی شوروی نسبت به قبل از آن دارای فرصت های همگرایی متفاوتی می باشد بطوری که در قبل از فروپاشی شوروی ایران تنها زمینه همگرایی را با این جمهوری در زمینه نظامی جستجو می کرد اما با فروپاشی شوروی و فراهم آمدن شرایط جدید اقتصادی ما شاهد ایجاد زمینه های همگرایی در زمینه های مختلف اقتصادی با دو حوزه آسیای مرکزی و قفقاز در شرق و غرب این حوزه هستیم که شالوده تمامی این زمینه های همگرایی را می توان در مشترکات تاریخی و حوزه در

همگرایی و واگرایی سیاسی در حوزه کاسپین و حوزه‌های پیرامونی آن

روابط خارجی و نیاز به مرزهای ایران برای تبادلات تجاری خلاصه نمود. در این زمینه حتی ارتباطات تجاری و اقتصادی مردم و کشورهای منطقه با ایران تحت عنوان خط ترانزیت شمال-جنوب (تراسیکا) امکان ایجاد فعالیت‌های فرهنگی را در جهت همسوئی افکار عمومی مردم منطقه با ایران را فراهم آورده است. همچنین حضور ایرانیان در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نیز جمهوری اسلامی ایران را در راه رسیدن به نوعی همگرایی منطقه‌ای نموده است. از سوی دیگر حضور اکثر کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز در پیمان‌ها و سازمان‌های مشترک باعث هم‌فکری و همگرایی بیشتر مردم منطقه و دولت‌های منطقه شده است. مهمترین زمینه‌های این همگرایی اقتصادی را می‌توان در موارد زیر جستجو نمود: ایجاد طرح سوآپ، امتیاز منحصر بفرد مسیر ایران در انتقال انرژی حوزه کاسپین به جهان خارج اعم از نفت و گاز، واقع شدن دریای کاسپین بعنوان چهار راه ارتباطی جهان که شرق و غرب قاره اوراسیا را از مسیر ایران به هم متصل می‌نماید. نقش ممتاز ایران در انتقال کالا به کشورهای حوزه قفقاز و بخصوص آسیای مرکزی که در خشکی محصور می‌باشند، ایجاد زمینه‌های همگرایی در جهت تبادلات انرژی الکتریکی، رونق گرفتن و نقش مثبت ارتباط مستمر دو شهر بزرگ تبریز و مشهد در جهت ارتباط مستمر در جهت همگرایی با کشورهای و قفقاز آسیای مرکزی. همه این موارد حاکی از زمینه‌های همگرایی اقتصادی پس از فروپاشی شوروی می‌باشد.

اما از سوئی دیگر به همان اندازه که فرصت‌های اقتصادی زمینه‌های همگرایی را در منطقه بوجود آورده‌اند شرایط امنیتی جدید در سطح بین‌الملل پس از فروپاشی شوروی و بخصوص بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، زمینه‌های واگرایی را در منطقه افزایش داده است که مهمترین زمینه‌های ایجاد چنین گرایشی را در موارد زیر می‌توان جستجو کرد. خلاء فکری و اعتقادی یا بحران هویت در زمینه فکری و فرهنگی در این منطقه پس از فروپاشی شوروی، تمایل دولت‌های منطقه در جهت رسیدن به غرب و نوعی فرهنگ مادی‌گری، افراطی‌گرایی دینی، سرمایه‌گذاری فرهنگی غرب در منطقه با همکاری برخی کشورهای اسلامی، نگاه امنیتی برخی از کشورهای منطقه به فعالیت‌های ایران در سرزمین‌شان، ترانزیت مواد مخدر از کاسپین به‌عنوان یک سرپل به اروپا، وجود تروریسم بین‌الملل در منطقه و حضور غرب به بهانه آن در منطقه، ایجاد مثلث رقیب در منطقه توسط آمریکا در قفقاز با همکاری آذربایجان و گرجستان در مقابل مثلث همکاری ایران، روسیه و ارمنستان در منطقه، حضور اسرائیل در اطراف مرزهای ایران در آسیای مرکزی و قفقاز به‌عنوان دشمن اصلی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، حضور ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز به‌عنوان رقیب اصلی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، گسترش ناتو به سوی آسیای مرکزی و قفقاز، ایجاد پیمان‌های منطقه‌ای توسط کشورهایی که محوریت

خاصی در اعضا آنها مشاهده نمی‌شود که بالاجبار باید به سوی غرب گرایش پیدا کنند مانند اتحادیه گوام، تشکیل پلیس کاسپین توسط آمریکا در بندر اکتائوقزاقستان که با منافع ایران و روسیه در تضاد است، وجود بحران‌های مختلف در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز از جمله بحران قره‌باغ بین آذربایجان و ارمنستان، بحران چین در روسیه، بحران‌های آبخازیا، آجاریا و اوستیای جنوبی در گرجستان، ایده آذربایجان بزرگ، ترانزیت مواد مخدر در آسیای مرکزی و بحران قومیت این منطقه در بحران آب و آلودگی‌های زیست محیطی و بسیاری دیگر از تهدیدات امنیتی در منطقه که زمینه‌های واگرایی را در ناحیه کاسپین به دلیل تضاد دیدگاه‌های کشورهای این حوزه به صورت لاینحل باقی گذاشته است.

نتیجه‌گیری

نتیجه آنکه هر چند با فروپاشی شوروی در زمینه اقتصادی برای جمهوری اسلامی ایران فرصت‌های مناسبی پدید آمده و زمینه همگرایی در این بخش با کشورهای منطقه افزایش یافته است، اما از سوی دیگر پس از حوادث ۱۱ سپتامبر به دلیل بوجود آمدن شرایط جدید امنیتی در جهان و کنترل بیشتر کشورها توسط قدرت مسلط بر جهان (آمریکا) به نظر می‌رسد این نوع همگرایی بسیار شکننده باشد، که دلیل اصلی آن افزایش تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران با حضور مستقیم آمریکا و دولت‌های وابسته به آن در منطقه می‌باشد. حال اگر جمهوری اسلامی ایران قصد حفظ و گسترش این همگرایی را به سود خود داشته باشد و از واگرایی کشورهای منطقه بر اساس فشار غرب بخواهد جلوگیری کند باید در درجه اول با ایجاد یک روابط دیپلماتیک فعال با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از بی‌توجه ماندن در امور قفقاز و آسیای مرکزی جلوگیری نماید چون تنها از این طریق و از راه وابسته نمودن اقتصاد منطقه به اقتصاد ایران با توجه به اشتراکات فرهنگی و تاریخی است که ایران قادر خواهد بود بر مشکلات ناشی از تهدیدات امنیتی غرب و واگرایی کشورهای منطقه از جمهوری اسلامی ایران فائق آید و حتی در این راه با بهره‌مند کردن اروپا از مسیر کوتاه و ارزان ایران به آسیای جنوبی و جنوب‌شرقی زمینه‌های در هم تنیدگی اقتصاد ایران با اروپا را نیز بیش از پیش افزایش دهد و راه را برای حضور مقتدرانه ایران در منطقه فراهم آورد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

افشار (سیستانی)، ایرج (۱۳۸۱). دریای مازندران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

همگرای بی و واگرایی سیاسی در حوزه کاسپین و حوزه‌های پیرامونی آن

افشردی، محمدحسین (۱۳۸۱). ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات پیام سپاس.

آلیسون، روی (۱۳۸۲). امنیت در آسیای مرکزی، محمدرضا دبیری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

بیژنی، مهدی (۱۳۸۱). خزر و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر سایه روشن. دهقان، فتح‌اله (۱۳۸۲). بررسی نفت و گاز در حوزه دریای خزر تأثیر آن بر امنیت کشور و نظام جمهوری اسلامی، تهران: نشرهمه.

دهقان، فتح‌الله (۱۳۸۴). دریای خزر و امنیت ملی، تهران: انتشارات فرهنگی هنری بشیر علم و ادب. سارلی، اوراز محمد (۱۳۷۹). ترکمنستان، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه. سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۳). معمای امنیت و چالش‌های جدید غرب، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

شهابی، سهراب (۱۳۸۱). منابع نفت و گاز، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه. شیخ‌حسینی، کامبیز (۱۳۷۵). اکو یک دیدگاه منطقه‌ای، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه. صفوی، سیدیحیی (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. ضیائی پرور، حمید، پادگان خزر، گزیده تحولات جهان، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران: شماره ۱۸.

کاظم بیگی، محمدعلی (۱۳۸۴). دریای خزر و قدرت‌های بزرگ تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

کولائی، الهه (۱۳۷۶). سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

_____ (۱۳۷۹). اکو و همگرایی منطقه‌ای، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه. موسسه رند (۱۳۸۱). ناتو و امنیت منطقه دریای مازندران، بهادر امینیان - حسین شریفی طراز کوهی، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).

واحدی، الیاس (۱۳۸۲). گسترش همکاری‌های نظامی آذربایجان و آمریکا تهدیدی علیه ایران، گزیده تحولات جهان، شماره ۱۹، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

هاشمی، غلام‌رضا (۱۳۸۱). امنیت در قفقاز جنوبی، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).

ب) منابع انگلیسی

Momtaz, Jamshid, (1998). Iran's views on Caspian Administration, Iran Today, May- June.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.